



اندیشه‌های نو در جغرافیای جدید

در شماره ۲۲ مجله، نوشتیم که جغرافیای جدید در عصر جدید، به تدریج از یک بحران هویتی نجات می‌یابد و راهی در راستای تحول در بازساخت جامعه بشری در پیش می‌گیرد. به نظر می‌رسد که در جغرافیای جدید، غفلت از ارزشها و نیازهای محلی - ناحیه‌ای، گناه نابخشودنی محسوب می‌شود. حال ببینیم در جغرافیای جدید، چه تفکرات تازه‌ای مطرح می‌گردد و روی چه مسیرهای علمی تأکید می‌شود:

۱- جنگ نظریه‌ها: دنیای علم وارد عصر جدیدی در تاریخ خود شده است که بدان جنگ نظریه‌ها می‌گویند. بدینسان که در سال ۱۹۹۰، در همه مجلات معتبر علمی و کنگره‌های بین‌المللی، هدف اساسی علوم حتی علوم تجربی، جستجوی نظریات تازه بود. بالطبع با توجه به ناپایداری مسائل جغرافیایی، جغرافیای نظریه‌ای (با جغرافیای نظری اشتباه نشود)، حتی پیش از جغرافیای کاربردی مورد عنایت قرار گرفت و هر نوشته جغرافیایی که فاقد تحلیل نظریه‌ها بود به عنوان جغرافیای توصیفی شناخته شد. زیرا، جغرافیای کاربردی بعد از طرح نظریه‌ها و روی نظریه‌ها پیاده می‌شود و در تبیین علمی، نظریه‌ها بالاترین نقش را دارند.

۲- مبارزه اقتصاد سیاسی با پوزیتیویسم منطقی: در سال گذشته، ۲۵ تن از جغرافیدانان انگلیسی و امریکائی، با تأکید بر اقتصاد سیاسی، در مقالات تحلیلی خود، به مبارزه با پوزیتیویسم منطقی (اثبات‌گرایی) برخاستند و اعتبار پایدار مکتب اصالت تجربه علمی را در مطالعات جغرافیایی زیر سؤال بردند. گفتنی است که اقتصاد سیاسی، نه تنها رشته‌های جغرافیای انسانی، بلکه شاخه‌های جغرافیای طبیعی را نیز تحت تأثیر قرار داد و عناوین جدیدی مثل امیربالیسم اکولوژیک و اقتصاد سیاسی فرسایش، به علم جغرافیا عنای بیشتری بخشید.

۳- مکتب پیشتاز: در دهه ۱۹۸۰، چهارمکتب جغرافیایی: پوزیتیویسم منطقی، انسان‌گرایی، جغرافیای رفتاری و مکتب ساخت‌گرایی فعالیت چشمگیری داشته‌اند. اما این جریان در سال ۱۹۹۰، با عقب‌نشینی مکتب پوزیتیویسم منطقی، دو مکتب ساخت‌گرایی و رفتاری را در ردیف اول اهمیت قرار داد. از آن میان، مکتب ساخت‌گرایی میان اغلب جغرافیدانان جهان، به عنوان مکتب پیشتاز در علم جغرافیا شناخته شد.

۴- جغرافیا و نیازهای اساسی: در مسیر تحول علم جغرافیا، جغرافیای نیازهای اساسی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و با مددگیری از اقتصاد سیاسی، تحقیقات ارزشمندی در زمینه نیازهای اساسی مردم، نظیر جغرافیای مصرف جمعی، جغرافیای رفاه اجتماعی، جغرافیای تقسیم بین‌المللی کار، جغرافیا و زنان، جغرافیا و سالمندان، جغرافیا و کودکان، جغرافیا و کودکان و... صورت گرفت و علم جغرافیا را با دردها، رنجها و کمبودهای جامعه بشری پیوند داد.

امید آن‌که، همه ما، به دور از افکار مشوش و سطحی، از این تحولات جدید که در علم جغرافیا به ظهور رسیده است نیروی تازه‌ای بیابیم و جغرافیدانان واقع‌گرای ایران، در عمر پر برکتشان، با معرفت عمیق به مسائل جغرافیایی، بتوانند علم جغرافیا را در جایگاه جدید خود بنشانند.

حسین شگونی